

و اگر نه بدست رخ شوی بپوش  
 بهر صورت را تو پدید آید آن زمان  
 به بندد اگر نه بطفه نسکو  
 در آن شب بمنزویک هر زود  
 جوید با و مرسل شو هر فرد  
 زنده دست اول بر جلالتین  
 تخت بن سزایطیج اورد  
 کند بعد از این باز خود سوال  
 اگر عمل مانند بزاید سزایطیج  
 که پیدا شد ادم از ران راست  
 شود و خط چون آب از زلف  
 بیفتد سوی بهوی راست زن  
 کند لطف که با بر جسم

نشاندن بزدیک بهوی غولش  
 بدان شکل فرزند زاید از آن  
 که زاید آرد و کدک خوب سرو  
 بوست نشن طرب خوشی  
 نشیند سوی جانب راست او  
 نشد سوی خود پای چپ ازین  
 سزایطیج زود بهسمان آورد  
 ز قدری که دارد ز شصت محال  
 چنان دارم که علم حکمت خیر  
 زن که ران چپ خلوت شرفت  
 ز فرجش زون آورد ابر  
 تحمل کند بکزمان خود بفر  
 بسز زاید از وی حکم خدا

در سزایطیج

**باب در بیان آن که از زن بعد از حیض نطفه بر آید**  
 چو حیض زن از غت فارغ شود  
 همان روز نزدیگ کرد اگر  
 بر زودک کرد و زود شوی  
 سیم روز هشتادم بود  
 شود مدد حمل خست اگر  
 و باز جسم بند کرد  
 که ماه دیگر که حیض آید سز  
 اگر از قضا مانده از آن زمان حمل  
 در او استن اسد از حیض زن زود باشد

اگر خون حیض است زود  
 الا ای خورد یکدم با نبت  
 دوهفته نشاول کند این دو  
 با علامت بادست ای زادمرد  
 دوره از درم تابیا بد بخت  
 که کامل شوم حامل او شفا



Copyright © King Fahd University